

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مېباد بدين بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

شبِ شراب

کشش خمار چشمت به شراب ناب ماند تب چشم دلنشینت چو تَف سراب خیزد
لب داغ و آتشینت، به گل گلاب ماند خم زلف تابدارت، ز دلم قـــرار جوید
چه سیه‌لی که کس را نه قرار و تاب ماند لب تو خموش و گرمست و جهان بشور و غوغا
تو اگر سخن بگوئی، همه لاجواب ماند سرِ مژه بلندت ز هجوم فتنه جوئی
نه به مصلحت نشیند، نه به احتساب ماند به فروغ ماه رویت، تو اگر به جلوه آئی
به فلک نــــه ماهتابی و نه آفتاب ماند اگرش کسی بگوید که سراغ خستگان گیر
به هزار ناز و تمکین به کفش خضاب ماند به رقیب اگر نشیند، ز جبین گره گشاید
به من ارشود مقابل به رخس نقاب ماند به تو گرسوم مقابل، روم از خود، و جنونم
نه به انتصاب ماند، نه به انتخاب ماند ز هجوم عشق و مستی دل خسته منقلب شد
چه بلاست شور عشقت که به انقلاب ماند به چنین فرشته روئی چه شریر و تندخوئی
به دل از تو آنچه ماند ستم و عتاب ماند به وصال نیم بندش همه تن بساز ای دل
ز فراق او حذر کن که به آسیاب ماند به جهان و رنگهایش دل «اسیر» از چه بندی
که ز بس تهی ست مغزش، به گلِ حباب ماند

(بن - المان، فبروری ۱۹۹۸ ع)